

## قرار بازداشت موقت در محاکم کیفری بین‌المللی

### حمزه صفری زاده

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه پیام نور تهران جنوب

#### چکیده

قرار بازداشت موقت تحدید آزادی متهم را به همراه دارد. با اصل برائت در تعارض است و از ادوار گذشته مورد توجه حقوقدانان کیفری بوده است. اسناد و اعلامیه‌های متعددی در زمینه ملغی نمودن و کاستن از موارد بازداشت موقت توسط سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای مدافع حقوق بشر صادر شده است. این اسناد و اعلامیه‌ها دولت‌ها را بر آن داشته‌اند که با وضع قواعد و مقررات، در جهت تحدید بازداشت متهم گام برداشته و از آن تنها در موارد ضرورت استفاده کنند. در این پژوهش با روش توصیفی و تحلیل مسائل کوشش شده با توجه به آنکه مفاد زیادی از اعلامیه‌های جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر دارای مقرراتی مرتبط با اصول آیین دادرسی کیفری به‌ویژه صیانت از حقوق متهم و تحدید بازداشت موقت هستند، حتی‌المقدور نواقص و کاستی‌های موجود در دیوان کیفری بین‌المللی در ارتباط با بازداشت موقت بررسی و تبیین گردد. از طرفی با کنکاش در مقررات دیوان کیفری بین‌المللی در زمینه بازداشت موقت و مقایسه آن با محاکم کیفری بین‌المللی موقت متوجه می‌شویم که در بسیاری از موارد مقررات و رویه‌ی آن‌ها با هم متعارض بوده و در برخی موارد تطابق دارند.

**واژه‌های کلیدی:** دیوان کیفری بین‌المللی، بازداشت موقت، دادگاه‌های کیفری بین‌المللی موقت

## مقدمه

قرار بازداشت موقت شدیدترین قرار تأمین کیفری است، که برای دستیابی به متهم و جلوگیری از فرار او و تبانی با متهمان دیگر و شهود صادر می‌شود. قرار بازداشت به طور اختصار عبارت است از «سلب آزادی متهم و زندانی کردن او در طول تحقیقات مقدماتی توسط مقام صالح قضایی». متهمی که در مورد او قرار بازداشت موقت صادر شده، حق آزادی با تأمین را دارا نیست و بنابراین اگر آزادی با قول شرف، در ابتدای بردار قرارهای تأمین است، بازداشت موقت در انتهای این بردار قرار دارد. چون این قرار بر خلاف آزادی انسانهاست بنابراین، همیشه از طرف حقوقدانان و جرم شناسان مورد انتقاد قرار گرفته است.

تضاد این قرار با اصل برائت و فرض بی گناهی متهم قبل از صدور حکم قطعی و عدم سنخیت آن با برخی سیاستهای مطلوب تقنینی باعث شد، که برخی حقوقدانان، پس از جنگ دوم جهانی تحت تاثیر نظرات مکاتب دفاع اجتماعی، توجه خود را به این اقدام که تهدیدی بر علیه آزادی متهم به شمار می رود معطوف دارند. با توجه به معایب این قرار و خلاف موازین انسانی بودن آن اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای متعددی برای تحت نظم در آوردن آن صادر شد. از باب تمثیل در این زمینه، از جمله میثاق حقوق مدنی و سیاسی اعلامیه حقوق بشر توصیه کرده که بازداشت موقت نباید به صورت یک قاعده کلی در آید، بلکه باید موارد آن به صورت صریح در قانون احصاء شده و به حداقل ممکن کاهش یابد. همچنین، این قرار باید به اشد کیفرها مانند اعدام اختصاص یابد.

همچنین، در اسناد بین‌المللی حقوق بشر به رغم پیش بینی بازداشت موقت اصل بر آزادی افراد نهاده شده و بازداشت هم یک استثناء محسوب می‌شود. سازمان ملل در توصیه ی شماره ۱۳ خود که به «رهنمودهای ریاض» معروف است متذکر شده که بازداشت قبل از محاکمه باید به عنوان آخرین راهکار و کوتاهترین دوره زمانی تقلیل یابد. از رهگذر این اسناد تحول جدی در حقوق داخلی برخی کشورها در زمینه بازداشت موقت صورت گرفت.

اما در رویه و مقررات دادگاه‌های کیفری بین‌المللی به‌ویژه موقت که انتظار می رفت با چراغ راه قرار دادن اسناد بین‌المللی حقوق بشر به خوبی قادر به رعایت حقوق متهم و اصول حقوق کیفری در مورد بازداشت موقت باشد، ولی متأسفانه در برخی از مقررات و رویه‌ها خلاف این مورد اجرا شده، زیرا مغایرت آرای صادره توسط برخی از این دادگاهها نظیر دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا با اسناد حقوق بشری این واقعیت را آشکار ساخت که هر دادگاه با توجه به ساختار و اهدافی که دنبال میکند، می تواند تفاسیر متفاوتی از مصادیق حقوق متهم را ارائه دهد. اگرچه مقررات دیوان کیفری بین‌المللی در زمینه بازداشت موقت در بسیاری از موارد با این دادگاهها متفاوت بود.

به هرحال ضرورت پرداختن به موضوع این مقاله در این است که با بررسی مقررات و رویه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی می توان نقاط ضعف و قوت این مقررات را در ارتباط با قرار بازداشت موقت با تطبیق آن با اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر یافته و نوآوریهای آن را نسبت به قوانین محاکم کیفری بین‌المللی پیشین ذکر کنیم. اما هدف از انجام این پایان نامه بررسی و تبیین قرار بازداشت موقت در مقررات دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر و یافتن کاستیها و ایرادات این قوانین و ارائه راهکارها و پیشنهادات سودمند جهت یکسان سازی و متناظر نمودن آن با موازین عالی‌ی انسانی و مکاتب کیفری جدید، برای صیانت از حقوق متهم می باشد

## ۱- بیان مساله و سوالهای اصلی تحقیق

قرار بازداشت موقت باتوجه به اهمیت روزافزون حقوق بشر واصل آزادی اشخاص در سطح ملی و بین‌المللی و از طرفی به علت تضاد با یک سیاست کیفری ایده آل مدتهاست که مورد توجه و انتقاد شدید حقوقدانان و بالاخص جرم‌شناسان قرار گرفته است و کنفرانس‌ها و اجلاسهای متعددی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی درباره این موضوع برگزار و برای دستیابی به راه‌حلهای صحیح و مناسب جهت حمایت از آزادی افراد و جلوگیری از تضییع حقوق و اجحاف آن‌ها اسناد فراوان و ارزشمندی تدوین و تنظیم گردیده است.

از باب تمثیل در اصول میثاق جهانی حقوق بشر ذکر شده است که بازداشت پیش از دادرسی اشخاص باید یک استثناء و به مدت کوتاه باشد و متهم حق انتخاب وکیل و حق جبران خسارت و حق اعتراض داشته باشد. ۱ در طول چند دهه گذشته کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل و دیوان اروپایی حمایت از حقوق بشر به عنوان نهادهای ناظر بر اجرای اسناد بین‌المللی با تفسیر مقررات راجع به حقوق متهم پیش‌بینی کردند که از جمله حقوق متهم آزادی موقت وی پیش از محاکمه است. لذا عمل برخلاف این قاعده یعنی بازداشت موقت باید مبتنی بر دلایل متقنی باشد.<sup>۱</sup>

در نتیجه این اجلاسها و کنفرانسها و نظریاتی که در این زمینه ارائه گردید باعث شد که بازداشت موقت به عنوان یک اقدام سلب‌کننده آزادی افراد دچار تحول عظیمی در کشورهای مختلف گردد.

باکمال تاسف قرار بازداشت موقت در رویه و مقررات دادگاه‌های کیفری بین‌المللی موقت کمتر مورد توجه بوده و با توجه به این که اسناد بین‌المللی حقوق بشر مکرراً به رعایت اصل برائت و آزادی اشخاص تاکید کرده، در قواعد و مقررات دادگاه‌های کیفری بین‌المللی چون دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا این اصل رعایت نشد و ثابت گردید که هر دادگاه با توجه به اهدافی که در نظر گردانندگان واقعی آن است حقوق و آزادی متهم را تفسیر به رأی کرده و از رعایت اصل آزادی و کرامت آن‌ها سرباز می‌زند. البته لازم به توضیح است که دیوان کیفری بین‌المللی با رویه‌ای متفاوت و مترقی‌تر به قرار بازداشت موقت پرداخته که در این مقاله به طور مفصل به آن پرداخته خواهد شد.

تحقیق حاضر به سؤالات زیر پاسخ خواهد داد:

- ۱- مقررات و رویه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به اسناد بین‌المللی حقوق بشر در مورد قرار بازداشت موقت چه کاستیهایی داشته و در چه مواردی با آن متناسب است؟
- ۲- دیوان کیفری بین‌المللی در زمینه بازداشت موقت با محاکم کیفری بین‌المللی موقت چه تشابهاتی داشته و در چه مواردی از آن‌ها مترقی‌تر است؟

## ۲- فرضیه‌های تحقیق

- ۱- مقررات و رویه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی با اسناد بین‌المللی حقوق بشر در برخی موارد تناسب نداشته، مثلاً مقررات و رویه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی بر خلاف اسناد حقوق بشری بازداشت موقت را الزامی دانسته و از طرفی برای متهمان حق اعتراض و حق داشتن وکیل را در نظر گرفته است.
- ۳- دیوان کیفری بین‌المللی در زمینه بازداشت موقت نسبت به محاکم موقت توجه بیشتری به حقوق متهمان داشته ولی

<sup>۱</sup> - آخوندی، محمود (۱۳۸۴)، آیین دادرسی کیفری، جلد پنجم، چاپ دوم، تهران، نشر میزان، ص: ۱۸۰

از طرفی کماکان آزادی موقت متهمان را استثناء محسوب نموده است.

### ۳- روش تحقیق:

روش تحقیق استفاده شده در این تحقیق توصیفی است.

### ۴- روش و ابزار گرد آوری اطلاعات:

روش تحقیق در این پژوهش به صورت کتابخانه ای بوده و با استفاده از منابع حقوقی و مقررات و رویه‌ی دادگاه‌های بین‌المللی و اسناد حقوق بشر سعی شده پژوهشی در مورد قرار بازداشت موقت در دیوان کیفری بین‌المللی ارائه شود. البته شایان ذکر است که در این پژوهش از ابزاری چون برگه یادداشت، وسیله غلط‌گیری، برگه دان و رایانه استفاده شده است.

### ۵- ساختار تحقیق

این پایان‌نامه در دو فصل ارائه گردیده که فصل اول آن کلیات و مفاهیم قرار بازداشت موقت و همچنین قرار بازداشت موقت در حقوق ایران و فصل دوم آن قرار بازداشت موقت در محاکم کیفری بین‌المللی را بررسی می‌کند.

### گفتار اول: بررسی قرار بازداشت موقت در محاکم کیفری بین‌المللی موقت

در اثنای جنگ جهانی دوم که با فجایع هولناک جنایت علیه بشریت و جنگ و خونریزی و کشتار میلیون‌ها انسان همراه بود. متفقین توافق کردند که برای محاکمه و تعقیب بانیان جنگ که از نظر آن‌ها شکست خوردگان یا همان متحدین بودند دادگاهی تشکیل دهند که این دادگاهها همان دادگاه‌های کیفری نورنبرگ و توکیو بودند و متفقین در این دادگاهها به محاکمه متهمین پرداختند. «با تنفر ایجاد شده در طول این جنگ، آزادی متهمین در دادگاه‌های موقت کیفری فوق‌پیش از محاکمه و فرار آنان نمی‌توانست موجبات نگرانی مقامات قضایی را فراهم کند زیرا در هر حال دولتهای جهان متهمین را برای انجام محاکمه تسلیم دادگاه‌های مذکور می‌نمودند»<sup>۲</sup>.

براساس این موضوع متهمین باید تا زمان محاکمه در بازداشت باقی می‌ماندند<sup>۳</sup>. به هر حال همه واقفند که در دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو متفقین متهمان را پیش از صدور کیفرخواست در توقیف نگه می‌داشتند. بیشتر متهمان حتی قبل از تاسیس دادگاه‌های نظامی بین‌المللی فوق‌دستگیر شده و توسط مقامات ملی بازداشت شده بودند. با کمال تأسف بایستی گفت که بازداشت یک قاعده و قانون کلی بود و در این مورد هیچ استثنایی قائل نمی‌شدند.

البته با نگاهی به شرایط زمانی این دادگاهها و مشخصه نظامی بودن آن‌ها استفاده از چنین روشهایی برای بازداشت متهمان قابل بررسی است. بعلاوه در آن زمان برای رعایت آزادی انسانها و حقوق بشر چنان وضعی نهاده نمی‌شد. یا اگر هم برای آزادی انسان و تحدید در بازداشت او اهمیتی قائل بودند با این دقت و شدت که امروزه بدان پرداخته می‌شود نبود.

اما با صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر انسان مورد توجه قرار گرفت و حق آزادی افراد محترم شمرده شد و در میثاق حقوق مدنی و سیاسی مؤکداً بر آن پرداخته شد و طبق تعهدات بین‌المللی موجود، مورد عنایت و پذیرش کشورها قرار گرفت. اصل

<sup>۲</sup>-Magnarlla, 2005, p. 801. "The Background and causes of the Appraise of provisional in Rwanda", journal of international criminal justice, No. 3.

<sup>۳</sup>-Zappala, 2003, P. 1186. "Rights of persons During An Investigation In Antonio (Cassese, Paola Gaeta and John R. W. D. Jones (eds. ), The Rome statute of the International criminal: A commentary, VOLII., Oxford university press

قانونی بودن جرائم و مجازاتها مطمح نظر مقامات قضایی کشورها گردید. بررسی تاریخ حقوق کیفری بین‌المللی نشان می‌دهد که قبل از دادگاه یوگسلاوی، اصل قانونی بودن جرائم و مجازاتها حاکمیت نداشته و حدود و میزان آن مشخص نبوده است. تشکیل دادگاه یوگسلاوی تحول عظیمی در زمینه اصل قانونی بودن جرائم و مجازاتها در حقوق بین‌المللی کیفری ایجاد کرد و اهتمام و توجه این دادگاه به این اصل موجب اقبال دولت‌ها به این دادگاه گردید.<sup>۴</sup> اما با وجود چنین امتیازاتی در دادگاه یوگسلاوی و تا حدودی دادگاه رواندا در ارتباط با رعایت حقوق متهم نسبت به دادگاه‌های کیفری بین‌المللی قبل، متأسفانه در زمینه بازداشت موقت تغییرات چندانی حاصل نشد. در دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا به علت همکاری نکردن چند کشور با این دادگاهها، بازداشت موقت به جهت حصول اطمینان از حضور متهم در مرحله محاکمه تبدیل به یک قاعده شد.

در سیستم دادگاه یوگسلاوی، قاعده این بود که متهم در بازداشت نگه داشته شود. طوریکه در قاعده ۶۵ آیین دادرسی و ادله اثبات، آزادی موقت محدود به شرایط استثنایی بود. برای مثال در ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۶ دادگاه آزادی موقت زنی دلایلی را منوط به چند شرط دانست و بار اثبات شروط هم به عهده متهم بود. بنابراین الزام به بازداشت موقت متهم و ضرورت حق حضور فوری او در یکی از شعب دادگاه برای بررسی اتهامات وارده، نه تنها مداخله در وظایف مراجع قضایی بود بلکه با اسناد بین‌المللی هم در تضاد است.

«در قاعده ۹۹ آیین دادرسی و ادله اثبات دادگاه یوگسلاوی در مورد شخص تبرئه شده در شعبه بدوی عنوان متهم را به کار برد و ضمن بیان اینکه باید فوراً آزاد شود، در صورت تجدید نظر خواهی دادستان، به درخواست او و با استماع طرفین، شعبه بدوی با صلاحدید خود می‌تواند قرار استمرار بازداشت متهم را تا پایان مرحله تجدید نظر صادر کند. البته در فرض محکومیت در شعبه بدوی ضمن اینکه شخص همچنان در وضعیت متهم باقی می‌ماند اصل بر این نهاده شده که تا پایان تجدید نظر، بازداشت ادامه پیدا کند، مگر آنکه شعبه بدوی به گونه‌ای دیگر دستور دهد.»

مقید کردن آزادی موقت به شرایط استثنایی آن هم با انتقال بار اثبات از دادستان به متهم نمی‌توانست با فرض بیگناهی سازگار باشد. هر چند در قواعد دادرسی دادگاه یوگسلاوی این امر پیش بینی شده بود که متهم می‌تواند متقابلاً درخواست آزادی موقت خود را مطرح کند، ولی به این امر پرداخته نشده بود که پس از گذشت چه مدت زمانی از صدور قرار بازداشت موقت، این حق برای متهم وجود دارد و در صورت درخواست متهم آیا مقام قضایی مکلف به بررسی قرار صادره هست یا نه؟

به علاوه در بند ۲ ماده ۶۵ قواعد دادرسی دادگاه‌های یوگسلاوی، یکی از شرایط مهم این درخواست حصول اطمینان دادگاه از حضور متهم در دادگاه است، لذا این قید هم، سبب تفاسیر موسع و گاهی برخلاف حقوق متهمین را دربر خواهد داشت.<sup>۵</sup> به هر حال محدود کردن آزادی موقت به شرایط استثنایی در ایندادگاه با اصل براءت در تعارض است. «از این رو در بیست و یکمین نشست عمومی دادگاه در ۳۰ نوامبر ۱۹۹۹، قاعده ۶۵ اصلاح و قید شرایط استثنایی از آن حذف شد، اما برخی شعب دادگاه گفته اند حذف این عبارت به معنای آن نیست که بازداشت را استثناء کرده و آزادی را قاعده دانسته باشد. به رغم این اصلاحیه، هنوز شرایط استثنایی مورد توجه است. برای نمونه رأی دادگاه راجع به آزادی موقت در پرونده یاکیچ مؤید این واقعیت است.»<sup>۶</sup>

اما دادگاه رواندا با توجه به اینکه این دادگاه در فاصله نزدیک به دادگاه کیفری یوگسلاوی بوجود آمد، قواعد و مقررات دادرسی دادگاه یوگسلاوی بر روی مقررات این دادگاه تأثیر گذاشت و به نوعی شباهتهای زیادی بین این دو دادگاه در زمینه روند

<sup>۴</sup> مومنی، مهدی (۱۳۹۲)، اصول قانونی بودن جرائم و مجازاتها در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ص: ۲۲۲

<sup>۵</sup> -ارجمند، اردشیر، همان، ص: ۷۰

<sup>۶</sup> فضائلی، مصطفی، همان، ص: ۴۱۵

دادرسی وجود داشت. ولی تفاوتی که بین این دو دادگاه وجود داشت این بود که مقررات شدید و مورد انتقاد دادگاه یوگسلاوی بعد از مدتی با اصلاحات زیادی همراه شد و در آن تغییراتی ایجاد شد. اما در قواعد دادرسی رواندا اصلاحاتی انجام نشد. لذا دادگاه رواندا در برخی موارد رویه ای سختگیرانه تر و شدیدتر از دادگاه یوگسلاوی داشت.

برای مثال در بند ۲ ماده ۶۵ قواعد دادرسی دادگاه رواندا، متهم باید در بازداشت موقت باقی می ماند و چنانچه درخواست آزادی خود را می نمود، باید برای آزاد شدن، علاوه بر ثابت کردن حضورش در دادگاه و عدم تهدید شهود، اوضاع و شرایط استثنایی را هم ثابت می کرد، و یا از باب تمثیل دادگاه ویژه رواندا در پرونده کانیا باشی به دو دلیل درخواست اجرای بند «ب» قاعده ۶۵ آئین دادرسی و ادله اثبات دادگاه ویژه یوگسلاوی سابق را رد کرد: نخست اینکه این دادگاه مستقل از دادگاه ویژه یوگسلاوی سابق است و دیگر اینکه ماده ۱۴ اساسنامه این دادگاه پذیرش قواعد دادرسی دادگاه یوگسلاوی سابق را با تغییراتی که قضاوت لازم می دانند به آن‌ها سفارش کرده است از این رو بند «ب» قاعده ۶۵ تنها با تصمیم قضاوت دادگاه ویژه رواندا می تواند پذیرفته شود. به همین خاطر این مسئله باعث عدم توازن و نابرابری میان متهمان دو دادگاه می شد.

همان طور که در ابتدای مقاله معروض گردید هدف از این مقاله بررسی قرار بازداشت موقت در دیوان کیفری بین‌المللی است. لذا در این مبحث به طور خلاصه به قرار بازداشت موقت در محاکم کیفری موقت پرداخته شد تا مبحث اصلی پژوهش دقیق تر بررسی و تبیین گردد.

#### گفتار دوم: قرار بازداشت موقت در اسناد بین‌المللی حقوق بشر

در مباحث گذشته در مورد تضاد بازداشت موقت با اصل برائت و عدم سنخیت آن با عدالت کیفری و اصول حقوق کیفری بحث کردیم و لازم به ذکر است که این تعارض با موازین انسانی سبب شد که پس از جنگ دوم جهانی، تحت تأثیر مکاتب دفاع اجتماعی جدید، اسناد بین‌المللی متعددی، درباره ایجاد سیاستهای محدود کننده علیه بازداشت موقت صادر شود. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که در مباحث قبل درباره آن توضیح داده شد در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶، کنواسیون ۱۹۳۶، و پروتکل ۱۹۳۶ در مورد الغاء بردگی، کنواسیون ژنو ۱۹۴۹ در مورد اسرای جنگی، کنواسیون ۱۹۵۱ سازمان بین‌المللی کار در مورد آزادی سند یکایی تنها نمونه کمی از این اسناد بین‌المللی است. در این اسناد به ویژه اعلامیه حقوق بشر تأکید بر این بود، که بازداشت موقت نباید به صورت قانون کلی در بیاید و بایستی موارد آن به طور حصری همراه با حدود و ثغور آن در قانون مشخص شود و این قرار به اشد کیفرها، نظیر اعدام اختصاص یابد.<sup>۷</sup>

کمیته حقوق بشر سازمان ملل و دیوان اروپایی حمایت از حقوق بشر، به عنوان نهادهای ناظر بر اجرای اسناد بین‌المللی، بر این نکته تأکید نموده اند که یکی از حقوق اساسی متهم، آزادی موقت وی پیش از محاکمه است. از این رو عمل برخلاف این اصل، یعنی، بازداشت موقت، نیازمند دلائل متقنی همچون احتمال قوی به فرار یا اخفاء متهم است.

در بند ۳ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر آمده: «بازداشت موقت نباید از مهلت معقول تجاوز کند». در بند ۳ از ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی هم چنین آمده: «بازداشت اشخاصی که در انتظار محاکمه هستند، نباید به صورت یک قاعده کلی درآید، اما آزادی موقت ممکن است موکول به اخذ تضمین هایی شود که حضور متهم را در جلسه دادرسی و سایر مراجع قضایی تأمین نماید».

قرار گرفتن موضوع «بازداشت قبل از محاکمه» حتی در دستور کار کنفرانسهای داخلی و بین‌المللی و نیز اجلاسها و کنگره های

<sup>۷</sup> - آخوندی، محمود (۱۳۸۴)، آیین دادرسی کیفری، جلد پنجم، چاپ دوم، تهران: نشر میزان، ص: ۱۸۱

سازمان ملل متحد برای پیشگیری از ارتکاب جرم و رفتار با محکومان قرار گرفته که این امر حکایت از اهمیت موضوع و ضرورت دستیابی به راه حل های مفید و کارساز در این زمینه را دارد<sup>۸</sup>.

لازم به توضیح است که این موضوع آنقدر از نظر جوامع بین‌المللی مهم و اساسی بود که حتی دبیر کل سازمان ملل در سال ۱۹۷۶ گزارشی را منتشر کرد و در آن گزارش به کشورهای پیشنهاد داد که جهت رعایت استاندارد های بین‌المللی قوانین خود را اصلاح کرده و بازداشت قبل از محاکمه را تقلیل دهند.

دیوان اروپایی حقوق بشر در نظریه ای اعلام کرده: «شدت جرم و یا عکس العمل عمومی نسبت به آن، تنها به عنوان یک عامل استثنایی می تواند بازداشت متهم را برای مدت معین توجیه نماید»

مَعَ الْأَسَفِ با وجود توصیه های بین‌المللی فوق و تکرار مکرر اسناد بین‌المللی بر رعایت حقوق متهم و پرهیز از سلب آزادی انسانها و قانونمند کردن دادگاه های کیفری برای ممانعت از استفاده بی جهت از قرار بازداشت موقت و استفاده از این قرار به عنوان آخرین راه حل و یا جایگزین قرارهای تأمین دیگر، این اسناد مورد عنایت و توجه قانونگذاران و مقامات قضایی بین‌المللی قرار نگرفته و اگر هم قرار گرفته بسیار اندک و در بعضی پرونده ها بوده است.

«هر چند بر اساس اعلام نظر دیوان اروپایی حقوق بشر، شدت جرم و یا عکس العمل عمومی نسبت به آن، تنها به عنوان یک استثنایی می تواند بازداشت متهم را برای مدت معینی توجیه کند. ولی همانطور که در ادامه خواهد آمد رویه دادگاه های کیفری بین‌المللی دقیقاً برخلاف این اصل می باشد، دیگر اینکه کمیته حقوق بشر ضمن تأکید بر حضور متهم در جلسه ی محاکمه، صدور قرار بازداشت را تنها به عنوان یک استثناء و نه به عنوان یک قاعده دانسته است<sup>۹</sup>.

به هر حال با توجه به اسناد بین‌المللی ذکر شده می توان این نتیجه را گرفت که این اسناد بیشتر سعی در احقاق حقوق متهم و تفسیر قوانین به نفع او می باشند، در گفتار بعد به این مسئله خواهیم پرداخت که آیا دیوان کیفری بین‌المللی در صدور قرار بازداشت موقت توجهی به حقوق متهم دارد و آیا استانداردهای کیفری بین‌المللی را در صدور این قرار مد نظر می دهد؟ و همچنین از نحوه صدور قرار بازداشت موقت در این محکمه آگاه می شویم.

### گفتار سوم: ارزیابی قرار بازداشت موقت در دیوان کیفری بین‌المللی

دیوان کیفری بین‌المللی نهادی است که به مهم ترین جرایم بین‌المللی یعنی نسل کشی و جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی و جرم تجاوز رسیدگی می نماید.<sup>۱۰</sup> (بر خلاف دادگاه های یوگسلاوی و رواندا که موقتی بودند، دیوان کیفری بین‌المللی دائمی است و در سال ۱۹۹۸ در کنفرانس رم کشورهای جهان رأی به تصویب اساسنامه این دیوان دادند. تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی آنقدر با ارزش و مهم بود که دبیر کل وقت سازمان ملل از آن به "هدیه ای از امید به آینده" یاد کرد.

از ابتدا، اساس کار دیوان جهت رسیدگی به تحقیقات به این نحو است که همکاری همه دول در آن پیش بینی شده است و از دولت ها خواسته شده که همکاری لازم را انجام دهند. از جمله تکالیف دولت ها را دستگیری و بازداشت موقت متهم تا زمان تحویل به دیوان دانسته است. براساس بند ۱ ماده ۹ اساسنامه دستگیری و تحویل متهم باید طبق قوانین ملی باشد و بعد از دریافت درخواست دستگیری و تحویل متهم، دولت عضو باید بلافاصله براساس قوانین داخلی خود، اقدامات دستگیری و بازداشت متهم را انجام دهد. اما در دادگاه های یوگسلاوی و رواندا کشورها مجبور بودند طبق قواعد و اساسنامه تشکیل دادگاه

<sup>۸</sup>-ارجمند، اردشیر (۱۳۸۵)، مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر، ص: ۶۸

<sup>۹</sup>-فضالی، مصطفی، همان، ص: ۴۲۸

<sup>۱۰</sup>-Huber. 1998. "the office of the state prosecutor, International Review of criminal law", Vol. 62,ed., London, pp1-25.

های نامبرده اقدام به بازداشت متهم کنند و نه براساس قوانین داخلی خود. البته لازم به توضیح است که در دیوان کیفری بین‌المللی پذیرش آزادی موقت به عنوان یک استثناء پذیرفته شده است و این حق درخواست آزادی براساس بندهای ۱ و ۳ ماده ۵۹ اساسنامه شناخته شده است. «محکمه ملی می تواند براساس در نظر گرفتن اهمیت جرم ارتكابی، بررسی شرایط و اوضاع و احوال استثنایی، در مورد آزادی موقت وی تصمیم گیری نماید».

قابل ذکر است که مقررات دیوان امکان آزادی موقت اشخاص تحت تحقیق یا تعقیب را در دو مرحله پیش بینی کرده است: یکی وقتی که شخص توسط مقامات دولتی دستگیر شده و هنوز به دیوان تحویل داده نشده است و دیگری پس از آنکه به دیوان تحویل داده می‌شود. ماده ۵۹ اساسنامه دیوان امکان آزادی موقت شخص را، توسط مقامات دولتی که او را دستگیر کرده اند مقرر می کند و در بند ۴ قاعده ۱۱۷ آئین دادرسی و ادله اثبات این دیوان در این باره چنین آمده است: هنگامی که مقام صالح دولت توقیف کننده به شعبه مقدماتی اطلاع می دهد که شخص دستگیر شده تقاضای آزادی کرده، مطابق با بند ۵ ماده ۵۹ شعبه توصیه های خود را در محدوده ی زمانی تعیین شده توسط آن دولت ارائه خواهد کرد.

طی ماده ۶۰ اساسنامه حق درخواست آزادی موقت شخصی که در اختیار دیوان است پیش بینی شده است. بند ۲ این ماده می گوید: شخص موضوع قرار دستگیری می تواند درخواست آزادی موقت، تازمان محاکمه کند. شعبه مقدماتی اگر متقاعد شود که شرایط مقرر در بند ۱ ماده ۵۸ حاصل است، شخص را باید در بازداشتگاه نگه دارد و در غیر اینصورت به طور مشروط یا بدون شرط او را آزاد کند.

ظاهر این ماده ناظر بر آزادی موقت تا پیش از محاکمه است، اما بند ۱ قاعده ۱۱۸ آیین دادرسی و ادله اثبات دیوان به صراحت امکان آزادی موقت را در هر مرحله از فرایند دادرسی پیش بینی کرده است و می گوید اگر شخص تسلیم شده به دیوان درخواستی اولیه برای آزادی موقت در انتظار محاکمه، یا در نخستین جلسه دادگاه و یا پس از آن داشته باشد، باید راجع به درخواست، بدون تأخیر و پس از دریافت نظرات دادستان تصمیم بگیرد.

نکته قابل توجه در خصوص مقررات دیوان کیفری بین‌المللی این است که نخست مشخص نیست که محکمه ملی باید آنچه را که در اساسنامه پیش بینی شده را رعایت کنند و یا بر طبق قوانین داخلی، راجع به دستگیری و بازداشت متهم اقدام نماید. برای حل این تضاد، فصل نهم اساسنامه که بعداً اصلاح گردید پذیرفت که دولت‌ها به درخواست های ارائه شده توسط دیوان کیفری بین‌المللی، بر طبق قوانین داخلی خود پاسخ دهند. پر واضح است که طبق این اصلاحیه با وجود آنکه دستورات صادره توسط دیوان الزامی است و با اصل حاکمیت دولت‌ها در تضاد است، اما مقررات راجع به دستگیری، بازداشت و تحویل متهمین، تخصیصی بر این اصل است.<sup>۱۱</sup>

دوم آنکه اوضاع و احوال استثنایی و اضطراری باید برای آزادی موقت متهم وجود داشته باشد، به هر حال در دیوان هم بر خلاف اصول حقوقی و اسناد حقوق بشر همچنان اصل بر بازداشت بوده و متهم برای استفاده از آزادی موقت، باید شرایط و اوضاع و احوال استثنایی را ثابت کند. چون متهم باید تنها زمانی در بازداشت بماند که دادستان خطرات صدور قرار آزادی موقت او را ثابت کند. و همچنین مقامات قضایی دولت مربوطه حق ندارد که وجود قرائن و دلایل کافی علیه متهم را بررسی کند. به عبارتی به صرف وجود عناوین اتهامی در قرار دستگیری، توجه اتهامات مذکور نسبت به متهم مفروض است تا جایی که حتی متهم حق ندارد بررسی قرار صادره را درخواست کند. این مطلب در تضاد با حق تحقیق و بررسی و ارزیابی اتهامات وارده، توسط دولت متهم است. به همین خاطر متهم نمی تواند براین اساس، شرایط اضطراری و اوضاع و احوال استثنایی را عملاً ثابت

<sup>۱۱</sup> clark, 2004, To words an International criminal procedure, Oxford uni, press., Pp-249, 242.



کند. حقوقی که متهم حین محاکمه از آن‌ها برخوردار است در فصل ششم اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی و به ویژه در ماده ۶۷ آن مورد اشاره قرار گرفته است. این ماده به لزوم علنی، منصفانه و بیطرفانه بودن محاکمه اشاره دارد. همچنین در این ماده و در موارد دیگر به اطلاع متهم از محتوای اتهام خود، وقت و امکان تدارک دفاع، عدم تأخیر غیرموجه دفاع، محاکمه حضوری، حق استفاده از وکیل، مترجم، عدم نیاز به اثبات بی گناهی توسط متهم، منع محاکمه مجدد متهم، پرداخت غرامت به متهم بازداشتی تبرئه شده پس از اثبات بی گناهی او و موارد دیگر اشاره شده است.

با وجود تمام تفاسیر فوق با مقایسه دیوان کیفری بین‌المللی و دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا، متوجه می‌شویم که دیوان، برای متهمان در خصوص قرار بازداشت موقت حقوق بیشتری را مد نظر قرار داده است. برای مثال شعبه مقدماتی بایستی مطمئن شود که آیا متهم از حقوق پیش بینی شده در اساسنامه از جمله حق درخواست آزادی موقت آگاه است یا نه؟ و این امر در ماده ۵۸ اساسنامه آمده است. بر خلاف موازنه احتمالات دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا که اگر متهم نمی‌توانست عدم ضرورت ادامه بازداشت موقت خود را توجیه کند، و یا اگر دادستان ادامه بازداشت را ضروری می‌دانست او باید در بازداشت می‌ماند این مسئله در دیوان به این صورت تغییر یافته که متهم می‌تواند هر ۱۲ روز یکبار از شعبه مقدماتی درخواست کند که نسبت به تصمیم خودمبنی بر بازداشت موقت، بازنگری کند.<sup>۱۲</sup> و در این مورد دادستان دیوان دیگر نقشی ندارند.

شعبه ممکن است طی بازنگری‌های دوره‌ای یا موردی رأی خود را در باره بازداشت، آزادی و یا شرایط آزادی تغییر دهد. یکی از عواملی که به طور خاص مورد توجه قرار گرفته است طولانی شدن دوره بازداشت است. به موجب بند ۴ ماده ۶۰ اساسنامه، شعبه مقدماتی باید مراقبت کند که شخص به سبب تأخیر ناموجه دادستان، برای دوره‌ای نامعقول در بازداشت نماند، اگر چنین اطاله‌ای اتفاق افتاد، باید آزادی شخص مورد بررسی قرار گیرد. البته بند ۴ ماده ۶۰ اساسنامه این مدت را پیش بینی ننموده است، این امر برخلاف ماده ۱۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی است، زیرا این احتمال هست که شعبه مقدماتی به صرف پیچیدگی موضوعات، تحقیقات با مدت زیاد را نیز متعارف محسوب کند، یا اگر شعبه تأخیر غیر موجه را از ناحیه دادستان تشخیص دهد، بتواند به بهانه‌ها و دلایلی مانند شدت و گستردگی جنایات، مدت زمان بازداشت را متعارف و معقول اعلام کند.

بالاخره اساسنامه دیوان امکان تجدید نظر خواهی را از تصمیم دادگاه راجع به اعطا یا رد آزادی شخص تحت تحقیق و تعقیب را پیش بینی کرده است. این سیستم تجدید نظر خواهی از آنچه در اساسنامه‌های دو محکمه یوگسلاوی و رواندا پیش بینی شده بود کاملتر و با تفصیلات بیشتری است. شعبه تجدید نظر از کلیه‌ی اختیارات شعبه بدوی برخوردار است، در صورتی که محاکمه بدوی را غیر منصفانه تشخیص دهد می‌تواند آن رأی را نقض یا اصلاح کند. در صورت تجدید نظر خواهی متهم یادادستان به نمایندگی او، رأی شعبه تجدید نظر نمی‌تواند نامساعدتر به حال متهم باشد.<sup>۱۳</sup> شخص محکوم شده در شعبه بدوی تا زمان تعیین تکلیف از سوی شعبه تجدید نظر در توقیف خواهد ماند مگر آنکه شعبه بدوی به گونه دیگری تصمیم بگیرد.<sup>۱۴</sup> در صورت تبرئه شدن متهم در مرحله بدوی، وی بلافاصله آزاد خواهد شد مگر در شرایط استثنایی که با توجه به خطر فرار متهم احتمال موفقیت دادستان در مرحله تجدید نظر، دادستان از شعبه بدوی تداوم بازداشت متهم رادخواست کند. این تصمیم قابل تجدید

<sup>۱۲</sup> - میرمحمد صادقی، حسین، همان، ص: ۲۱۸

اساسنامه (۲) b۸۳ - ماده (۱۲)

(۳) ۸۱ اساسنامه (a) - ماده ۱۴

نظر خواهی است.<sup>۱۵</sup> در مجموع از مقررات دیوان کیفری بین‌المللی چنین استنباط می‌شود که نه بازداشت و نه آزادی شخص موضوع فرآیند دادرسی در دیوان هیچ یک اصل و قاعده نیست، و تصمیم به هر یک از آنها نیازمند دلیل است، باتوجه به موارد فوق می‌توان گفت که دیوان در مقایسه با دادگاه‌های کیفری موقت که بازداشت را قاعده و آزادی را استثنا تلقی می‌کردند، از نظر رعایت حقوق متهم و مظنون مترقی‌تر و به موازین حقوق بشر متناظرتر و نزدیک‌تر است. البته لازم به توضیح است که هم در دیوان و هم در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی موقت رویه‌های مغایر با مقررات حقوق بشری وجود دارد. برای مثال از منظر موازین حقوق بشری شدت جرایم و یا ناقص بودن تحقیقات نمی‌تواند دلیل مناسبی برای ادامه بازداشت فرد محسوب شود و یا حق درخواست بررسی قانونی بودن بازداشت، به عنوان یکی از مهم‌ترین حقوق متهم که در اسناد بین‌المللی و کنوانسیونهای حقوق بشری مکرراً مورد تأکید قرار گرفته، متأسفانه هیچ کدام در مقررات دادرسی دادگاه‌های کیفری فوق پیش‌بینی نشده است. همچنین قابل ذکر است که هرچند طبق اصل برائت بایستی بازداشت پیش از محاکمه یک استثنا محسوب شود و تا حد ممکن کوتاه باشد. ولی دیوان کیفری بین‌المللی براساس مقررات عرفی خود، اصل را بر بازداشت متهم قرار داده، آزادی موقت وی را یک استثناء تلقی کرده است. در ماده ۱۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی از حق داشتن وکیل، مترجم و نیز حق مراجعه به شهودی که به نفع متهم رأی می‌دهند بحث شده و حقوق فوق را برای متهم مقرر شده است. این حقوق هرچند به طور محدود در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی آمده ولی نه در رویه دیوان و نه در رویه دادگاه‌های کیفری چون یوگسلاوی و رواندا، به درستی اجرا نشده است.

#### بند اول: معیارهای قانونی دستگیری و بازداشت

همانطور که در مباحث گذشته تشریح شد، دستگیری و بازداشت کردن افراد باید خلاف قاعده و استثناء تلقی شود. شناخت موارد استثناء به تعیین معیار و شرایط قانونی نیاز دارد. این معیارها را می‌توان دو نوع ماهوی و شکلی دانست. شروط و معیارهای ماهوی که دستگیری را قانونی می‌کند در مقررات دیوان کیفری بین‌المللی و قواعد آئین دادرسی و ادله اثبات دادگاه‌های کیفری بین‌المللی موقت معین شده است. در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ردیف "د" بند ۱ ماده ۵۵ مقرر کرده که "شخص نباید مورد دستگیری یا بازداشت خود سرانه واقع شود، و نباید از آزادی محروم گردد، مگر مطابق دلایل و آئینی که در اساسنامه مقرر شده است."

دلایلی که دستگیری و بازداشت را توجیه می‌کند از بند ۱ ماده ۵۸ اساسنامه دیوان قابل استنباط است و براساس این ماده، دادستان در هر زمان، پس از شروع تحقیق، می‌تواند از شعبه مقدماتی، صدور قرار دستگیری شخص رادرخواست کند، اما شعبه در صورتی مکلف به صدور چنین قرار است که پس از تقاضای دادستان و ادله و اطلاعات ارائه شده از سوی او، احراز کند که اولاً: دلایل معقولی وجود دارد بر اعتقاد به اینکه آن شخص مرتکب یکی از جرائم تحت صلاحیت دیوان شده است. ثانیاً: دستگیری او برای یکی از مقاصد ذیل ضروری به نظر برسد.

اطمینان از اینکه شخص روند تحقیقات یا دادرسی دیوان را مختل نمی‌کند، جلوگیری از ادامه ارتکاب آن جنایت یا جنایت مرتبط دیگری که از همان شرایط بر می‌آید و تحت صلاحیت دیوان است و اطمینان از حضور او در محاکمه. علی‌الاحوال با توجه به مطالب فوق دو معیار عمده برای قانونی بودن دستگیری شناخته شده:

۱- وجود دلایل معقول حاکی از ارتکاب جرم توسط شخص دستگیر شونده

<sup>۱۵</sup> - ماده (۳)(ع) ۸۱ اساسنامه

## ۲- ضرورت دستگیری بنابر یکی از جهات یاد شده ی فوق

### بند دوم: مقدمات مربوط به معیارها

با توجه به مطالب ذکر شده برای تضمین هرچه بیشتر معیارهای شناخته شده بین‌المللی و اجرای مطلوب عدالت کیفری در زمینه حق مصونیت از دستگیری و بازداشت مقدماتی چند لازم است که چند مورد را ذکر می‌کنیم:

#### ۱- حق اطلاع از دلایل دستگیری:

حق آگاهی یافتن از دلایل دستگیری، یکی از حقوق شناخته شده و بخشی از تضمینهای قاعده " رعایت آئین قانونی " و مکمل حق آزادی شخص است. این حق در مهمترین اسناد بین‌المللی جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر آورده شده است. این اسناد در این اصل همسانند که هر کس دستگیر می‌شود باید از دلایل دستگیری خود و اتهامات علیه خویش آگاه شود.<sup>۱۶</sup> برای مثال طبق کنوانسیون اروپایی و امریکایی حقوق بشر شخص بازداشت شده حق دارد فوراً از اتهاماتی که مواجه با آن خواهد شد آگاه شود. هر چند ارائه اطلاعات تفصیلی درباره ی اتهام یا اتهامات او در این زمان ممکن نباشد. به موجب مقررات دادگاه های کیفری بین‌المللی ویژه، شخص دستگیر شده، در لحظه اجرای قرار دستگیری باید از علت آن آگاه باشد. شعبه تجدید نظر دادگاه کیفری بین‌المللی ویژه درباره این حق چنین مقرر کرده که استانداردهای بین‌المللی ایجاب می‌کند که مظنون دستگیر شده فوراً از دلایل دستگیری اش مطلع شود.

در مقررات اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی به حق مطلع شدن از دلایل دستگیری و بازداشت مقدماتی اشاره نشده است اما با توجه به مقررات ماده ۵۸ اساسنامه دیوان که راجع به شروط مربوط به قرار دستگیری و چگونگی اجرای آن و غیر بحث شده همه حاکی از امکان استدلال برای وجود حق اطلاع از دلایل دستگیری است.

البته در قاعده ۱۱۷ قواعد آئین دادرسی و ادله اثبات دیوان به صراحت از حق مظنون به دریافت نسخه ای از قرار دستگیری سخن گفته شده که از سوی شعبه مقدماتی صادر می‌شود و این نشانگر این است که قواعد دادرسی دیوان در این زمینه هماهنگ با اساسنامه است.

#### ۲- حق مصونیت از هرگونه اجبار، تهدید، شکنجه، یا مجازات غیر انسانی

یکی از حقوق اساسی برای متهم حق مصونیت او از هرگونه اجبار و تهدید و مجازات غیرانسانی و موهن می باشد. حقوق ذکر شده فوق در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر بارها به تأکید آمده است. ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، شکنجه و رفتار یا مجازات بی رحمانه، غیر انسانی یا موهن را منع می‌کند.

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، درجایی که شکنجه به طور گسترده و سیستماتیک واقع شود آنرا یک جنایت ضد بشریت معرفی می‌کند، آن را به اعمال ارتكابی منتقل از هر مقام دولتی، یعنی توسط افراد خصوصی با انگیزه های شخصی، نیز تعمیم می‌دهد و از این جهت قدری وسیع تر از تعریف کنوانسیون منع شکنجه است.

ممنوعیت شکنجه مطلق است و هیچ وضعیتی نمی‌تواند سبب تعلیق آن گردد. طبق بند ۲ ماده ۲۰ کنوانسیون منع شکنجه هیچ گونه شرایط استثنایی اعم از جنگ یا تهدید به جنگ، بحرانهای سیاسی داخلی یا هر وضعیت اضطراری ملی دیگر نمی‌تواند شکنجه را توجیه کند.

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، در بند ۱ ماده ۵۵ (ردیف ب)، مقرر کرده که در جریان تحقیق، شخص « نباید مورد هیچ

<sup>۱۶</sup> فضالی، مصطفی، همان، ص: ۳۸۹

گونه اجبار، فشار یا تهدید، شکنجه یا هر شکل دیگر رفتار یا مجازات بی رحمانه، غیر انسانی یا موهن واقع شود» از رویه‌ی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی ویژه چنین استنباط می‌شود که این محاکم بر شرایط بازداشت متهمان نظارت داشته و در مواردی به اصلاح آن پرداخته‌اند و برای مثال در پرونده بلاسیکیچ، دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق چندبار به اصلاح شرایط بازداشت او رأی می‌داد.

۳- حق اعتراض درباره‌ی قانونی بودن دستگیری و بازداشت و رفتار در حین بازداشت یکی از حقوق مهم و اساسی برای متهم حق اعتراض او به دستگیری و بازداشت می‌باشد. این حق و تضمین آن در کنوانسیون‌های حقوق بشری به صراحت پیش‌بینی شده است.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در بند ۴ ماده ۹ مقرر کرده: «هرکس حق آزادی اش سلب شده باشد استحقاق رجوع به دادگاه را دارد، تا آنکه بدون تأخیر درباره‌ی قانونی بودن توقیفش تصمیم بگیرد و در صورت قانونی نبودن آن دستور آزادی اش را صادر کند.» البته این مقررات تنها منحصر به اشخاص بازداشت شده نیست، بلکه شامل هرکسی که آزادی اش سلب شده می‌شود.

لازم به توضیح است که میثاق در این ماده نوعی نظارت قضایی بر دستگیری و بازداشت در نظر گرفته است و هدف از این نظارت، حمایت از حق آزادی افرادی است که به طور غیرقانونی دستگیر شده یا در بازداشت نگاه داشته می‌شوند. این مفهوم در قالب یک عبارت لاتین یعنی «هی بی اس کورپس» بیان می‌شود.<sup>۱۷</sup> مقصود از حکم «هی بی اس کورپس» عبارتست از ارزیابی قانونی بودن بازداشت یا حبس.

این همان مفهومی است که در کنوانسیون‌های حقوق بشر وارد شده است. برای مثال بند ۴ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مقرر کرده که سلب آزادی فرد به طور مسلم می‌تواند مورد اعتراض واقع شود و چنین اعتراضی باید به سرعت از سوی محاکمه ملی رسیدگی شود.

طبق نظر کمیته‌ی بین‌المللی حقوق بشر، حق بر هی بی اس کورپس قابل تعلیق نیست، به همین خاطر بازداشت اروگوئه‌ای‌ها را که طی یک دوره اقدامات تأمینی بدون رعایت هی بی اس کورپس بود، ناقص بند ۴ ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی است.

اگرچه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی ویژه نه در اساسنامه و نه قواعد دادرسی به طور مشخص به موضوع «هی بی اس کورپس» نپرداخته است ولی رویه‌ی این محاکم آن را مورد توجه قرار داده است.

در مواردی شعبه تجدید نظر به صراحت اعلام کرده که امکان رجوع شخص بازداشت شده به یک ارگان قضایی مستقل برای بررسی قانونی بودن بازداشت خود «به موجب اساسنامه و قواعد دادرسی کاملاً مسلم است.» البته از نظر دادگاه مقصود از حکم «هی بی اس کورپس» عبارتست از «ارزیابی قانونی بودن بازداشت یا حبس» نه اینکه آیا شخص مجرم است یا بیگناه.<sup>۱۸</sup>

از نظر ماهوی حکم «هی بی اس کورپس» هنگامی قابل استفاده است که شخص در طی فرآیند کیفری از حقوق اساسی اش از جمله حق حمایت علیه دستگیری و بازداشت غیرقانونی، حق اطلاع فوری از اتهامات و حقوق و حق محاکمه بدون تأخیر ناروا، محروم شود.

<sup>۱۷</sup> - فضالی، مصطفی، همان، ص: ۳۹۸

<sup>۱۸</sup> - همان، ص: ۳۹۹

شعبه تجدید نظر در خلال برخی پرونده های دادگاه ویژه رواندا مواردی را در این زمینه مقرر کرده، از جمله اینکه هرگاه متهم به آئین «هی بی اس کورپس» توسل جدید و اعتراض را ثبت کند دادگاه باید آن را استماع کرده و بدون تأخیر درباره ی آن حکم دهد». رویه دادگاه ویژه یوگسلاوی سابق همچنین بیانگر آن است که این دادگاه اعتراضات شخص دستگیر و بازداشت شده را مبنی بر ادعای تضییع حقوق فردی در ائردستگیری مورد استماع قرار داده است. برای مثال در پرونده داکمانویچ، دادگاه برخلاف نظر دادستان، تأکید کرد که متهم جهت اعتراض به دستگیری می تواند به نقض حاکمیت دولت استناد نماید. در دیوان کیفری بین المللی برخلاف شعب مقدماتی و بدوی، که موردی برای رسیدگی به پرونده ی خاص تشکیل می شوند، شعبه تجدید نظر متشکل از همه قضات تجدید نظر است و به کلیه ی پرونده های تجدید نظر رسیدگی می کند.<sup>۱۹</sup>

در مقررات آئین دادرسی دیوان کیفری بین المللی در بند ۳ قاعده ۱۱۷ درباره کنترل و نظارت قضایی بر دستگیری و بازداشت چنین آمده است: اعتراض نسبت به اینکه آیا قرار دستگیری به نحو درست مطابق با ردیفهای «الف» و «ب» بند ۱ ماده ۵۸ صادر شده، باید درخواست کتبی به شعبه مقدماتی داده شود. این درخواست باید بیان گر مبنای اعتراض باشد. شعبه مقدماتی پس از دریافت نظرات دادستان، باید بدون تأخیر درباره آن تصمیم بگیرد. همچنین به موجب قاعده ۱۱۸، شخصی که به دیوان تحویل داده شده است، از همان آغاز حق درخواست آزادی موقت را دارد و شعبه مقدماتی موظف است بدون تأخیر، پس از مطالبه نظرات دادستان، در این باره تصمیم بگیرد.

۴- حق جبران خسارت ناشی از بازداشت ناموجه:

یکی از اصول مهم و اساسی در حقوق بشر حق بر جبران خسارت شخص زیان دیده است و حق بر جبران خسارت ناشی از دستگیری یا بازداشت غیرقانونی یکی از این حقوق است که مورد تأکید نظامهای ملی و بین المللی است. برای مثال در بند ۵ ماده ۹ میثاق بین المللی مدنی و سیاسی چنین آمده: هرکس قربانی دستگیری یا بازداشت غیرقانونی باشد از حق لازم الاجرای غرامت برخوردار است.

دیوان کیفری بین المللی درباره جبران خسارت ناشی از بازداشت ناموجه در بند ۱ ماده ۸۵ اساسنامه چنین می گوید: هرکس قربانی دستگیری یا بازداشت غیرقانونی بوده، باید از حقوق لازم الاجرای دریافت غرامت بهره مند شود. «البته این دیدگاه دیوان درباره حق مطالبه خسارت توسط متهم در مقایسه با دادگاه های کیفری موقت، پیشرفته تر است»<sup>۲۰</sup>. زیرا در مقررات این دو دادگاه چنین پیش بینی نشده است. با وجود نبود مقررات مشخص راجع به مطالبه خسارت به خاطر دستگیری یا بازداشت ناموجه و غیرقانونی رویه این دادگاه ها نشان داده که قضات دادگاه ها تمایل دارند، مطابق با حقوق بین المللی چنین دعاوی را بپذیرند. ولی با کمال تأسف دعای مطالبه خسارت ناشی از بازداشت غیرقانونی مورد پذیرش دادگاه ها واقع نشده است. برای مثال در پرونده نیکولیچ و لاجیچ درخواست جبران خسارت جهت دستگیری و بازداشت غیرقانونی مورد پذیرش دادگاه قرار نگرفت.

<sup>۱۹</sup> - میرمحمد صادقی، حسین، همان، ص: ۲۴۶

<sup>۲۰</sup> - میرمحمد صادقی، حسین، همان، ص: ۲۴۵

### نتیجه گیری:

قرار بازداشت موقت به عنوان یکی از قرارهای تأمین کیفری و شدید ترین آن‌ها که به منظور دستیابی به متهم و ممانعت از فرار و تبانی بامتهمان دیگر و شهود صادر می‌گردد، به علت تضاد بایک سیاست مطلوب تقنینی و عدم سنخیت با آزادی انسانها همیشه مورد انتقاد شدید حقوقدانان و جرم شناسان بوده و اسناد بین‌المللی متعددی در جهت کاستن و یا ملغی نمودن آن تدوین گردیده است. برای مثال سازمان ملل در توصیه ی شماره ۱۳ خود متذکر شده که بازداشت قبل از محاکمه باید به عنوان آخرین راهکار و کوتاهترین دوره ی زمانی تقلیل یابد، یادرمیثاق حقوق مدنی و سیاسی اعلامیه حقوق بشر توصیه شده که بازداشت موقت نباید به صورت یک قاعده کلی درآید.

به هر حال از این پژوهش به خوبی قابل استنباط است که رویه و مقررات دیوان کیفری بین المللی در برخی موارد از جمله استثنایی محسوب کردن آزادی موقت متهمان و عدم پیش بینی مدت نهایی بازداشت موقت در تضاد با اسناد حقوق بشری است. البته همان طور که در مباحث گذشته مطرح گردید دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به محاکم ویژه سیستمی مترقی تر و به روز تر داشته و توجه زیادی به حقوق متهمان نشان داده است. اما دادگاه های کیفری بین‌المللی موقت به ویژه دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو در زمینه ی بازداشت موقت در بسیاری از موارد متعارض با اعلامیه حقوق بشر و اسناد مرتبط با آن دارد و این دادگاه ها در توجیه عملکردشان به ساختار خاص خود استناد می کنند و همچنین رأی این دادگاه‌ها در برخی موارد بر اساس مصلحت جویی و منفعت طلبی کشورها و یا اشخاص ذی نفوذ می باشد و تبعیت اندکی از منابع حقوق بین الملل که اصولاً معاهدات و رویه ها باید بر اساس آن باشد دارند و اصل را بر بازداشت موقت گذاشته و آزادی موقت را استثناء محسوب می نمایند که این برخلاف موازین عالییه انسانی می باشد. از مجموع مطالب این پژوهش نتایج زیر به دست آمد:

۱ - مقررات و رویه دیوان کیفری بین‌المللی در زمینه ی بازداشت موقت در برخی موارد تعارضاتی با اعلامیه ی حقوق بشر و اسناد مرتبط با آن دارد.

۲ - مقررات و رویه ی دیوان کیفری بین‌المللی در بسیاری از موارد مترقی تر و پیشرفته تر از قوانین محاکم ویژه بوده و از نظر صیانت از حقوق متهمان با اسناد حقوق بشر متناسب تر است.

### پیشنهادها

۱ - ضرورت اقدام عملی دولت‌ها جهت انجام اصلاحاتی در دیوان کیفری بین‌المللی از جمله پیش بینی مدت نهایی بازداشت، ملغی نمودن بازداشت موقت اجباری و پیش بینی هیأت منصفه و مرور زمان جهت حفاظت از حقوق متهمان

۲- لزوم اقدام دولت‌ها در جهت تطبیق نمودن نمودن و متناظر کردن مقررات این محکمه با اسناد بین المللی حقوق بشر

### فهرست منابع

- ۱ - فضائلی، مصطفی (۱۳۸۹)، دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین‌المللی، چاپ دوم، تهران، انتشارات شهر دانش.
- ۲ - ارجمند، اردشیر (۱۳۸۵)، مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، چاپ اول، تهران: گنج دانش.
- ۳ - آخوندی، محمود (۱۳۸۴)، آیین دادرسی کیفری، جلد پنجم، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- ۴ - مومنی، مهدی (۱۳۹۲)، اصول قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها در دادگاه بین‌المللی کیفری، چاپ اول، تهران: نشر میزان
- ۵ - \_\_\_\_\_ (۱۳۹۳)، مبانی حقوق جزای بین‌الملل ایران، چاپ دهم، تهران: انتشارات شهردانش
- ۶ - میر محمد صادقی، حسین (۱۳۹۴)، دادگاه کیفری بین‌المللی، چاپ هشتم، تهران: نشر دادگستر.
- ۷ - \_\_\_\_\_ (۱۳۷۷)، حقوق جزای بین‌الملل، تهران: نشر میزان.

1. Clark. j. m. safferling (2004), To words an International criminal procedure, Oxford uni,press
2. Huber, Barbara (1999), "the office of the state prosecutor, International Review of criminal law", Vol. 62,ed,, London
3. Zappala, Salvatore (2003), "Rights of persons During An Investigation In Antonio (Cassese, Paola Gaeta and john R. W. D. jones (eds. ), The Rome statute of the International criminal: A commentary, VOLII., Oxford university press
4. Magnarlla, Paul j (2005), "The Background and causes of the Appraise of provisional in Rwanda", journal of international criminal justice, No. 3.